

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

محمد قراگزلو

۱۸ اگست ۲۰۱۲

افغانستان! ای وای سرزمین من.....

شادا چهارمین سال یاد پورتال "افغانستان آزاد-آزاد افغانستان"

با احترام به دریا دادر و صدای محزونش

رفقای افغان!

رفقای پورتال!

با وجودی که ما و شما بخشی از طبقه کارگر جهانی هستیم و همه برای جمع کردن بساط استثمار سرمایه و دست یابی به آرمان آزادی و برابری و تحقق حکومت کارگری مبارزه می کنیم ؛ با این همه درد مشترکی میان ما پیوندهای همسان دیگری را نیز شکل می دهد که هویت تاریخی، ملی و پیوستگی های فرهنگی و انسانی هنوز برای ترسیم آن بسنده نیست.

افغانستان سرزمین درد و رنج و خون!

سرزمینی شگفت. موزه ای سرشار از گنجینه ها و عتیقه هایی به رنگ اقوام و قبایل و مذاهب و فرهنگ های مختلف. همه اما در ادبار روزگار و استثمار و کار بردگی مشترک.

سرزمین سیاست مداران و جنگ سالارانی که در کم تر از یک شبانه روز چند بار تغییر موضع می دهند. به بهای مشتی سیم و زر و پستی از جنس زور و ترانزیت آسان مخدر!

سرزمینی با کوه های سربه آسمان کشیده و در هم تنیده و از هم رمیده و برف پوشیده به نام هندوکش! کوه هایی به طول ششصد کیلومتر و عرض صد کیلومتر و برکشیده از سمت شمال شرقی به سوی غرب و جنوب. با معابری چریک رو که بیش از نیم کشور را محصور کرده است. تا کابل و قندهار و هرات احساس امنیت کنند!

دریغا آرامش برای مردمی نجیب و آرام....

سرزمینی با دره ای ژرف به وسعت عمیق پنج شیر که می تواند ده ها یورش امپریالیسم شوروی و امریکا و سپاه سپاه طالبان را در اعماق خود ببلعد.

سرزمینی تشنه که رویای شیرین اتصال به دریاها را با کابوس تلخ استبداد سیاسی و انسداد جغرافیائی به تاق نسیان کوبیده است.

سرزمینی بکر که معادنش به سبب جنگ های طبقاتی و قومی و مذهبی امپریالیسم ساخته و ارتجاع پرداخته در هم شکسته است. مانند چهره مغوم بودایش! تا زحمت کشانش نان شب خود را با خون افیون درو کنند. چنان که بر کسی دانسته نیست میزان گاز طبیعی، ذغال سنگ، آهن، نفت، مس، فلور، لاجورد، منگنز، سرب، بوکسیت، طلا، نیکل، کروم، یاقوت، مرمر، جیوه، لیتیوم، آلومینیوم، قلع و تنگستن آن تا چه اندازه است. سرزمینی با این درجه ثروت و غنای طبیعی غرق در فقر و فلاکت.

سرزمینی که با وجود اقوام نجیبی از پشتون ها و تاجیک ها و هزاره ها و نورستانی ها و ازبک ها و ترکمن ها و قرقیز ها و مغول ها، در خون و جنون نانجیبانه ترین جنگ های امپریالیستی و ارتجاعی می سوزد.....
افغانستان هارتلند آسیا.... با دلی شکسته و مردمی خسته و کودکانی از پا گسسته که با زبان بسته مین و زمین را نفرین می کنند.....

افغانستان سرزمین من. این سرزمین من چه بی دریغ است.... ۱

افغانستان سرزمین من. سرزمین انسان هائی که:

زیر آوار خروارها خاک جهل و تعصب در دشت لیلی زنده به گور و خاموش شدند.... ۲

و در اعماق مغاک دخمه های زندان شبرغان فراموش شدند.... ۳

و در پناه آخرین نگاه گنگ جنون گرسنگی؛ به یاران و مجروحان و مرداران هجوم بردند و با چنگال ناخن، گوشت پلاسیده انسان پوسیده را به سنگواره دندان کشیدند... و جوی رگ های خشکیده را جویدند... و در آماج ریزش بشکه های آتش و قیر امپریالیسم و ارتجاع و در پرهیز ارتفاع کوتاه پناهگاه و تهاجم سیلاب پرشتاب؛ در آخرین دژ زندگی (قلعه جنگی) نعش شان پاره پاره؛ آواره سیلابی شد که تمام حفره های واپسین نفس را فتح کرده بود.... ۴
از جنایت امپریالیسم امریکا و ژنرال دوستم در قلعه جنگی تا فاجعه راسیسم ایرانی در یزد راهی کوتاه به اندازه سرزمین من است.... ۵

افغانستان! سرزمین من. هارتلند خاور! "گنج ترا ربودند، از برعشرت خود/ قلب ترا شکستند، هر که به نوبت خود/
سرزمین من! مثل چشم انتظاری، مثل تب داغ داری، مثل دشت پرغباری.... ۶

رفقای افغان!

رفقای پورتال "افغانستان آزاد-آزاد افغانستان!"

هر چند ما و شما همچون همه کارگران سرزمینی نداریم؛ با این همه دل ما در گروهی آزادی شما از ستم چندگانده ای است که از سوی امپریالیسم و ارتجاع داخلی و منطقه یی بر شما و مردم فرو دست می رود.

رفقاء!

پورتال شما در طول این چهار سال و در مدت کوتاه عمر خود همواره علیه این ستم های مضاعف رزمیده است و با وجود توطئه های گوناگون کوشیده چپ دموکراتی را نمایندگی کند که به دور از تنگ نظری های فرقه یی باشد.

رفقاء!

به امید آزادی طبقه کارگر افغانستان و همه مردم کارگر و زحمت کش منطقه و جهان؛ پیش پای تلاش های شما بر می خیزم.

محمد قراگوزلو

تهران

۲۸ مرداد [اسد] ۱۳۹۱

۱۸ اگست ۲۰۱۲

پی نوشت ها

۱. تکه شعری از زنده یاد خسرو گل سرخی.
۲. دشت لیلی.... منطقه ای که جمعی از جنگ سالاران در آن زنده به گور شدند.
۳. شبرغان... نام زندانی قرون وسطائی که امروز ولایتی در شمال افغانستان است.
۴. قلعه جنگی و تصاویری که در این چند سطر ترسیم شده ، روایتی واقعی است از یک جنگ و سرنوشت اسرائیلی که بی آب و اکسیژن در کانتینر حمل و نقل می شدند!!
۵. یزد... شهر "شاهکار" راسیسم ایرانی علیه مهاجران افغان. در همین جا باید از تلاش خستگی ناپذیر سیامک ستوده در راستای دفاع از حقوق کارگران افغان یاد کرد.
۶. تکه هائی از ترانه ی دردناک "سرزمین من" با صدای دل شکسته و محزون دریا دادور.